



# قضاوت در اسلام

حجت الاسلام و المسلمین عباسعلی علیزاده

## ■ قاعده میسور (قسمت اول)

یک از قواعد فقهی قاعده میسور است. معنای قاعده مذکور این است که هرگاه انجام تکلیفی برای مکلف مشکل بود یا نتواند بطور کامل انجام دهد بطورکلی ساقط نمی شود بلکه آن اندازه که ممکن و مقدور باشد باید انجام دهد.

دلیل این قاعده سه روایت است:

روایت اول از حضرت رسول اکرم (ص) می باشد به این بیان، اذا امرتکم بشيء فاتوا منه ما استطعتم و اذا نهیتکم عن شيء فذروه. مورد صدور این روایت چنین است که روزی پیامبر بزرگ اسلام درباره اهمیت حج صحبت می فرمودند یکی از اصحاب از حضرت پرسید، آیا حج هر ساله واجب است؟ آن حضرت پاسخ ندادند آن مرد دوباره پرسید پیامبر (ص) سکوت کردند مرتبه سوم که پرسید حضرت در جواب او فرمودند. وای بر تو آیا اطمینان داری که «نه» خواهیم گفت؟ اگر بگویم «بلی» همه ساله حج بر شما واجب می شود و شما نمی توانید انجام دهید آنگاه آن بزرگوار فرمود: «اذا امرتکم بشيء فاتوا منه ما استطعتم.» یعنی؛ هرگاه به شما دستوری می دهم تا آن اندازه که می توانید آن را انجام دهید. روایت دوم از حضرت علی (ع) است؛ «المیسور لا یسقط بالمعسور.» یعنی؛ اگر انجام تکلیفی به نحو شایسته مشکل باشد یا بطور کلی مقدور نباشد آن قسمت از تکلیف که مقدور و ممکن است باید انجام گیرد مثلاً اگر نماز که باید با جمیع اجزاء و شرائط و ایستاده مکلف اتیان نماید نتواند ایستاده نماز را بجا آورد باید نشسته نماز را بخواند. روایت سوم نیز از حضرت علی (ع) است؛ «ما لا یدرک کله یترک کله.» یعنی؛ تکلیفی را که مکلف نمی تواند تمام آنرا انجام دهد نباید تمام آنرا ترک کند بلکه آنچه را که میتواند انجام دهد مانند مثال فوق. این سه روایت را مرحوم شیخ اعظم انصاری (ره) در رسائل چاپ قدیم ص ۲۹۴ از کتاب شریف غوالی اللثالی نقل می کند و مرحوم آیت الله العظمی بجنوردی در القواعد الفقهیه جلد ۴ ص ۱۲۹. از کتاب صحیح مسلم کتاب الحج ص ۱۰۲ با اندکی تفاوت نقل می فرماید؛ این روایات از دو جهت مورد بحث فقهاء عظام قرار گرفته است؛ اولاً- از نظر حجیت و ثانیاً- از حیث دلالت. اما از نظر حجیت اگر چه سند آنها

ضعیف است اما معتقدند که چون فقهاء بزرگوار به آن عمل کرده اند ضعف سند جبران شده است. عبارت مرحوم شیخ اعظم انصاری (ره) چنین است... و ضعف اسنادها مجبوراً باشتهار التمسک بهابین الأصحاب. (رسائل ص ۲۹۴)

مرحوم ملا احمد نراقی در عوائد الایام ص ۲۶۱ چنین می فرماید... فتقول لاشک فی عدم اعتبار تلک الأخبار من حیث السند، و لا من حیث وجودها فی اصل معتبر، و لکن تصدی بعضهم لا ثبات حجیتها، بیان اشتهاها، و انجبارها بالعمل. ترجمه؛ پس

**حضرت علی (ع) فرمودند**  
**المیسور لا یسقط بالمعسور**  
 یعنی اگر انجام تکلیفی به نحو شایسته مشکل باشد یا بطور کلی مقدور نباشد آن قسمت از تکلیف که مقدور و ممکن است باید انجام گیرد

می گوئیم که شکی در عدم اعتبار این اخبار از حیث سند نیست، و از طرفی این اخبار در اصل معتبری هم وجود ندارد و لکن چون بعضی از فقهاء اثبات حجیت آنها را تصدیق نموده اند به اینکه آنها از روایات مشهوره می باشند و فقهاء به آنها عمل کرده اند (ضعف سند به واسطه عمل فقهاء جبران شده است).

مرحوم آیه الله بجنوردی در القواعد الفقهیه ج ۴ ص ۱۲۹ در این باره چنین می فرماید؛ و هذه الروایات الثلاث لکثرة اشتهاها بین الفقهاء و عملهم بها لاحتیاج الی التکلم عن سندها... یعنی این روایات سه گانه به علت زیادی اشتهاشان بین فقهاء و عمل ایشان به این سه روایت نیازی به صحبت درباره سند آنها نیست (عمل فقهاء به این سه روایت شریف ضعف سندشان را

جبران می کند). آنچه در کتاب عوائد الایام و نیز کتاب القواعد الفقهیه و رسائل شیخ انصاری اشاره نموده و بحث نموده اند کل و کلی است. کل در مقابل جزء است کل عبارت است از مرکبی که وجودش بستگی به اجتماع تمام اجزاء آن دارد به طوری که اگر یک جزء یا چند جز آن از بین برود کل از بین خواهد رفت و لذا درباره کل گفته اند که مرکبی است در کما ینتفی به انتفاء تمام اجزائه ینتفی به انتفاء احد اجزائه. اما کلی این چنین نیست زیرا که کلی در ضمن افرادی به وجود می آید مانند مفهوم انسان که کلی است و در ضمن یک فرد یا افرادی بوجود می آید. حضرت آیه الله العظمی آقای مکارم شیرازی در جلد ۳ انوار الأصول صفحه ۱۹۶ به بعد تقریباً مفصل وارد این بحث شده ایشان پس از ذکر حدیث ثلاثه بویژه حدیث منصوب به رسول اکرم (ص) به تعبیر... و نقلت من طریق العامه فی سنن البیهقی... عن ابی هریره... و نقلت فی سنن النسائی... بعداً معظم له می فرمایند... و لاشبهه فی ان الروایة من طریق الخاصه من المراسیل، و من طرق العامه و ان کانت مسنده و لکن فی طریقها من لایخفی حالها... خلاصه فرمایش معظم له این است که این حدیث شریف در مدارک اهل سنت مثل سنن بیهقی و سنن نسائی آمده که نهایتاً ناقل حدیث ابوهریره است ولی در نزد ما جزء حدیث مرسله است که متأخرین از فقهاء از غوالی اللثالی نقل کرده اند و بدیهی است که این احادیث از نظر سند مخدوش است بویژه یکی از علماء که نوعاً عادت و روش ایشان قذح نیست مانند صاحب حدائق نسبت به سند این احادیث قذح نموده است ولی صاحب کتاب شریف الانوار الأصول... چنین می فرماید... نعم لایبعد ان یقال بانجبار ضعفها (ای ضعف کل واحده من الثلاثه) بعمل المشهور... تقریباً فقهاء عظام درباره سند این روایات به صورت شک و تردید نگاه می کنند و از طرف دیگر عمل فقهاء بر طبق آنها می باشد که در این مقوله ان قیل و قلت و نقض و ابرام نسبتاً زیاد بحث شده است.